



ترامپ و نتانیاهو تنش را به همانجا می برند که ایران دوست دارد؟

کشتی در برابر کشتی، نفت در برابر نفت



رسانه‌های خارجی می‌گویند روز گذشته یک نفتکش متعلق به ایران در خلیج عدن توسط زیر دریایی آمریکایی، مورد اصابت قرار گرفته است. اکانت تانکر ترکز مدعی شد که این کشتی پیش از این، در ژانویه ۲۰۲۵ در استانبول به ۱۳ دلیل توقیف شده بود. ترکز نوشت که نفتکش متعلق به هند است و با پرچم کامرون، در حال حرکت بوده است. این اکانت مدعی شده که نفتکش حامل الپی جی ایرانی بوده است. دقایقی بعد از انتشار این خبر، اما خبرگزاری مهر به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که نفتکش مورد حمله قرار گرفته، متعلق به ناوگان کشتیرانی ایران، نبوده است. با این حال در مورد واقعیت آنچه رخ داده، ابهامات زیادی وجود دارد و ابعاد ماجرا چندان روشن نیست. با در نظر گرفتن ابهام و احتمالات این حادثه و انتشار اولیه آن توسط رسانه‌های خارجی، گمانه‌زنی‌های متعددی می‌توان مطرح کرد. نزدیک‌ترین فرض آن است که رسانه‌ای کردن این خبر و انتصاب این محموله، عملیات روانی برای دستکاری افکار عمومی آن‌هم یک روز بعد از پایان عمر برجام است. اما نکته‌ای که نباید آن را فراموش کرد این است که ایران در مقابله با شیظنت‌های مشابه چه پس از خروج ترامپ از برجام چه در جریان جنگ تحمیلی، تجربه تاریخی روشنی دارد. براین اساس این جنس خبرسازی‌ها بیشتر جنبه اثرگذاری روی افکار عمومی مردم را دارد.

خبرسازی برای اعمال فشار بر ایران

درست یک روز پس از اعلام پایان قطعنامه ۲۲۳۱ و بیانیه رسمی سه کشور ایران، چین و روسیه برای به رسمیت نشناختن اقدام اروپایی‌ها، رسانه‌های خارجی از جمله شبکه الجزیره قطر، مدعی شدند که نفتکش ایرانی، مورد هدف قرار گرفته است. رسانه‌های ایران اما این خبر را تکذیب کردند. یکی از احتمالاتی که در مورد انتشار این خبر فارغ از صحت و سقم آن مورد توجه قرار می‌گیرد، انگیزه اصلی از اعلام این خبر است. در بازه زمانی‌ای که اروپایی‌ها، گزینه فعال‌سازی ماشه را روی میز گذاشتند، این گزاره از جانب کارشناسان و صاحب‌نظران مطرح شد که فعال‌سازی ماشه به جز اثرات روانی‌اش بر بازار، تأثیر چشمگیری در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی ایران ندارد؛ اروپایی‌ها اما اثرگذاری روانی فعال‌شدن ماشه را یکی از کارویژه‌های اصلی‌شان برای استفاده از آخرین تیر تنگ‌گشان علیه ایران می‌دانستند هوشمندی ایران و حمایت دو کشور چین و روسیه اثر روانی فعال‌سازی آن را به حداقل رساند و از طرفی هم نشان داد که ایران در حوزه عمل در مقابل تحریم‌های غرب، گزینه‌هایی برای عبور از تحریم‌ها تعریف کرده است. با این حال رسانه‌ای کردن هدف قرار دادن یک نفتکش در خلیج عدن و انتصاب آن به ایران، این گمانه را تقویت می‌کرد که غرب و مخصوصاً آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که اثر روانی فعال‌سازی ماشه علیه ایران را زنده نگه‌دارند و اینطور القا کنند که

قرار است شرایط برای ایران بعد از فعال‌سازی ماشه سخت‌تر شود. از طرفی نیز انتشار این خبر را می‌توان نوعی اعمال تهدید علیه ایران دانست کم‌اینکه آمریکا در حال حاضر مشابه این تهدیدات را علیه ونزولا به کار گرفته است.

ایران دوران سخت فشار حداکثری را پشت‌سر گذاشته است

نکته مهمی که در این رابطه نباید فراموش کرد این است که ایران پیش از ایسن در موارد متعددی جنگ‌ها و درگیری‌های معدودی در مورد نفتکش‌ها داشته که پاسخی درخور هم به این تهدیدات داده است. دوران پس از خروج آمریکا از برجام از جمله زمان‌هایی بود که آمریکایی‌ها تلاش کردند بسا تهدید و هدف قرار دادن نفتکش‌های ایران، خرید و فروش نفت ایران را مختل کنند. نکته مهم‌تر آنکه هم‌زمان با این اعمال تهدیدها ایران با ویروس همه‌گیر کرونا مواجه بود و هم‌زمان فشارهای سیاسی و تحریم‌های گسترده هم وجود داشت. سردار سلامی در شرح موقعیتی که ایران در آن قرار داشت، گفت: «۱۴ کشتی ما در دریای سرخ و مدیترانه را زنده که نفت ما صادر نشود، اوایل متوجه نمی‌شدیم که چه کسی این کشتی‌ها را هدف قرار می‌دهد، بالاخره متوجه شدیم، اقدام رژیم صهیونیستی است. ۱۲ کشتی از رژیم‌صهیونیستی را ما زدیم در شمال اقیانوس هند، در مکان‌های مختلف ۱۲ کشتی زده شد. ۵ کشتی را که زدیم، دستشان بالا رفت و گفتند ما نبرد کشتی‌ها را متوقف خواهیم کرد. انگلیسی‌ها نفتکش ما را در جبل الطارق گرفتند، کشتی «استینا تپرو» را از آن‌ها گرفتیم، مبادله کردیم، تسلیم شدند. دوکشتی از ما در یونان گرفتند، دوکشتی از آن‌ها گرفتیم، تسلیم شدند و ما توانستیم هواپیمای پیشرفته بدون‌سرنشین آن‌ها را ساقط کنیم؛ در بحران شدیدی قرار داشتیم، سردار سلیمانی را زده بودند، هواپیمای اوکراینی سقوط کرده بود، کرونا غالب شده بود، تحریم اقتصادی در حداکثر درجه ممکن اعمال می‌شد و تلاش می‌کردند ما را در انزوای سیاسی نگه‌دارند.» البته این تنها تجربه مواجهه ایران در شرایط بحرانی و تحریم نبود.

گریزی به حادثه بریجتون بزیند آقای ترامپ

۵ سالی که کمپین فشار حداکثری علیه ایران اوج گرفت. تنها زمانی نبود که ایران، با فشارها و تهدیدها برای فروش نفتش مواجه بود. تابستان سال ۶۶ بعد از آنکه ایران، در عملیات کربلای ۵ موفقیت به دست آورد، عراق اعمال فشارها برای فروش نفت ایران را بیشتر کرد تا کشور را اینگونه تحت فشار قرار دهد. در میانه این جنگ آمریکا عملاً وارد درگیری عراق با ایران شد. جنگ نفتکش‌ها را شروع کرد، حملات ابتدا علیه کشتی‌های تجاری ایران آغاز شد. نخستین حمله به کشتی اطلس حامل نفت ایران بود. دومین نفتکش هم اسپسکامنت یونانی بود که آن‌هم حامل نفت ایران بود. اواخر تیر ماه ۶۶ آمریکا بزرگ‌ترین نفتکش آن روز دنیا را که کوبی بود، با نام بریجتون و با

بیانیهٔ چین، روسیه و ایران و شکاف در شورای امنیت سازمان ملل اتفاقی کم‌سابقه است

آنتروپی چینی – روسی علیه فاشیسم

منطقی به نظر می‌رسد.

امروز شرایط ایران با دوران پیش از برجام تفاوت‌های چشمگیری دارد. در حال حاضر، نه‌تنها چین و روسیه، بلکه بسیاری از کشورهای جهان از نظر سیاسی با مواضع سه کشور اروپایی (E۳) و ایالات متحده همسو نیستند. ابزارهای حقوقی نیز در اختیار ایران قرار دارند که می‌توانند اثر مکانیسم ماشه را تا حد زیادی خنثی کنند. حمایت ۱۲۱ کشور عضو جنبش عدم تعهد از موضع ایران در رد بازگشت غیرقانونی قطعنامه‌های تحریمی، نمونه‌ای از این پشتوانه دیپلماتیک است. این بیانیه حقوقی، سرآغاز یک مناقشه بی‌سابقه در شورای امنیت است. رفتار کنونی چین و روسیه در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ که به قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران رأی مثبت داده بودند، نشان‌دهنده تحولی عمیق در معادلات جهانی است. بااین حال، برخی در تهران همچنان بر دیدگاه‌های نادرست خود مبنی بر بی‌فایده‌بودن همکاری با این کشورها پافشاری می‌کنند و از درک این تغییرات بنیادین ناتوان مانده‌اند.

فرایند تغییر نظم بین الملل به شورای امنیت رسيد

در فضای کنونی روابط بین الملل، آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند جدال بر سر مشروعیت سیاسی تصمیم‌ها در شورای امنیت است، نه تکیه صرف بر مفاد حقوقی. اکنون شرایط به‌گونه‌ای پیش رفته که ایران با اتکا به ظرفیت دیپلماتیک و همراهی برخی قدرت‌های جهانی توانسته فضای تازه‌ای را شکل دهد؛ فضایی که در آن، بازگشت تحریم‌های سازمان ملل دیگر امری قطعی و غیرقابل تغییر به نظر نمی‌رسد، بلکه موضوعی است که نیازمند حمایت و پذیرش سیاسی دیگر کشورهاست. در این میدان تازه، میدان حقوقی جای خود را به رقابت برای اقطاع و جذب حمایت بین‌المللسی داده و همین امر ابتکار عمل را از دست قدرت‌های غربی خارج کرده است. در چنین وضعیتی، رویکرد چین، روسیه و مجموعه کشورهایی که در قالب جنبش عدم تعهد از خاتمه‌یافتن دوره اعتیار قطعنامه مربوط به برنامه هسته‌ای ایران سخن گفته‌اند، معنایی روشن دارد؛ این کشورها با ایستادن در برابر بازگرداندن محدودیت‌های سازمان ملل نشان

پرچم ایالات متحده راهی کویت کرد؛ گفته می‌شود در این عملیات، ۶ ناو فریگیت آمریکایی، محافظ این سوپرتانکر بودند. ابتدا قرار بود برای برخورد با این نفتکش، از موشک ضد کشتی استفاده شود، برنامه دیگر این بود که غواصان به کشتی مین بچسباندند که این تصمیم هم ناموفق بود. نیروی دریایی بوشهر وظیفه انجام این عملیات را به عهده گرفت. آن‌ها با چند قایق موتوری و ۱۰ مین متعلق به جنگ جهانی دوم که از ارتش تحویل گرفته بودند، راهی آب‌های بین‌المللی شدند. در محدوده‌ای که احتمال عبور نفتکش از آن وجود داشت به فاصله ۳۰۰ متر، مین ریخته شده بود. عملیات با موفقیت انجام شد و در حین عبور این نفتکش از ۱۳ مایلی غرب جزیره فارس با مین‌ها برخورد کرد و حفره‌ای به مساحت ۴۳ متر مربع در بدنه سمت راست آن ایجاد شد. ایران البته برای اثرگذاری روانی این عملیات هم برنامه‌ریزی کرد و تمام افراد حاضر در عملیات را برای دیدار با امام دعوت کرد.



کشور‌ها، روایت خود از قطعنامه‌ها و توافق‌ها را به‌عنوان تفسیر معتبر جا بیندازد. اقدام اتحادیه‌را و پادر همراه کردن کشور‌های غیرعضو در این اتحادیه با قطعنامه‌های تحریمی ضد ایرانی از یک‌سو و اقدام تهران در همسو کردن روسیه، چین و کشور‌های عضو جنبش عدم تعهد از سوی دیگر نشان‌دهنده این است که تصمیمات شورای امنیت برای اجراشدن به چیزی بیشتر از اسناد حقوقی نیاز دارد. آنچه سرنوشت نهایی قطعنامه‌های شورای امنیت را رقم خواهد زد وزن سیاسی هر روایت و میزان همراهی کشور‌ها با آن است.

موضع مشترک ایران، چین و روسیه در عمل چگونه باید پیاده‌سازی شود

پس از نامه سرگئی لاوروف به دبیرکل سازمان ملل و رئیس دوره‌ای شورای امنیت در ۲۷ سپتامبر تا اکتید او بر پلاژا بودن ادعاهای طرف غربی در مورد عدم پایبندی ایران به برجام و همچنین موضع قاطع واسلبلی نینزیا مینی بر «به رسمیت نشناختن بازگشت قطعنامه‌ها توسط روسیه» در شورای امنیت، اکنون می‌توان گفت از منظر حقوقی تردیدی باقی نمانده است. روسیه عملاً مکانیسم بازگشت قطعنامه‌ها را مردود می‌داند. چین نیز پیش‌تر در نامه مشترک نخست با روسیه و ایران بر پطلان حقوقی اسنپ‌ک تأکید کرده و در بیانیه مشترک روز شنبه بار دیگر این موضع را تکرار کرده است. از این مرحله به بعد موضوع به اراده سیاسی مسکو و پکن برای اجرای این دیدسگاه حقوقی گره می‌خورد اراده‌ای که به نوع روابط آن‌ها با تهران و نیز معادلات قدرت‌های جهانی وابسته است و باید دید در کمیته تحریم‌ها و صحن شورای امنیت چگونه جلوه خواهد یافت.

علاوه بر میز حقوقی، این دو کشور در میدان عمل نیز باید خلاف رویکردهای شوروی امنیت تعاملات اقتصادی و امنیتی خود با ایران را تداوم داده تا تحریم‌های یک جانبه طرف غربی در عمل بلاموضوع تلقی شود. این رویداد برای نخستین بار در تاریخ رخ می‌دهد و بیانگر شکافی عمیق در ساختار شورای امنیت است؛ چراکه دو قدرت دارای حق وتو و سلاح هسته‌ای در برابر نظم موجود ایستاده‌اند. این وضعیت، نوک کوه یخ نظم جدید جهانی است و ضروری است ایران با شناخت مزایا و هماهنگی با ظرفیت‌های خود، از این فرصت بهره بگیرد.

